

رسالة حنين بن اسحق

به علی بن یحیی در ذکر آنچه که با علم او* از کتابهای جالینوس ترجمه شده و برخی از آنچه که ترجمه نشده است.

نامیده که ترجمه آن فهرست است و مقاله دیگری نوشته و در آن مراتب قرات کتابهای خود را یاد نموده است. و آشنائی با کتابهای جالینوس را از جالینوس باید بیشتر انتظار داشت تا از من.

تو در پاسخ من گفتی: «هر چند امرچنان است که تو توصیف کرده‌ای ولی ما و هم‌غرضان ما یعنی آنانکه کتابهای سریانی و عربی را می‌خوانند نیازمندیم بدانیم که کدام يك از این کتابها بزبان سریانی و عربی ترجمه شده و کدام يك ترجمه نشده و کدام را من عهده‌دار ترجمه شدم و کدام را دیگران ترجمه کردند و من دوباره ترجمه کردم و اصلاح نمودم و آن دیگران که آن کتابها را ترجمه کردند که هستند و درجه قوت هر يك از آن مترجمان در ترجمه چیست و برای که ترجمه کرده‌اند و من کتابهایی را که ترجمه کردم برای که و در چه سنی ترجمه کردم - چون این دو امر باید دانسته شود زیرا ترجمه بر حسب قوت مترجم کتاب و کسی که کتاب برای او ترجمه شده می‌باشد و کتابهایی که تاکنون ترجمه نشده آیا نسخه یونانی آن یافت شده یا یافت نشده و یا آنکه قسمتی از آن یافت شده زیرا این مهم است که به ترجمه آنچه که یافت شده عنایت ورزیده شود و سپس بدریافتن آنچه که یافت نشده کوشش

مبتدول گردد. وقتی چنین ایرادی بر من وارد ساختی دانستم که راست می‌گویی و من را به کاری خوانده‌ای که سود آن شامل من و تو و بسیاری از مردم می‌شود ولی من مدتی دراز مکث کردم و اجابت خواهم تو را به تعویق انداختم زیرا کتابهایی را که من يك بيك در عمرم گردآوری کرده بودم گم کردم یعنی آنچه را که از وقتی که بفهم در آمدم و گرد جهان گشتم جمع کرده بودم بیکبارگی همه را از دست دادم چنانکه کتابی برای من نماند حتی همین کتابی را که پیش از این یاد کردم یعنی کتابی که جالینوس در آن فهرست کتابهایش را آورده است.

بیادآوری - خداوند ترا گرامی دارد - احتیاج به کتابی را که در آن صورت کتابهایی را که پیشینیان در علم پزشکی نوشته‌اند جمع شده و غرض هر يك کتابها بر شمرده و مطالب علمی که در آن مقالات نهاده شده معین شده باشد تا اینکه دانشجو هنگام نیاز بتواند بهر يك از آن مطالب دست یابد و بداند که مطلبی را که می‌جوید در کدام کتاب یا مقاله و در کجای از مقاله است. و از من خواستی که من این را برای تو انجام دهم سپس من به تو - خداوند ترا مویذ دارد - اعلام کردم که حافظه من از احاطه به همه آن کتابها قاصر است زیرا آنچه را که من از آنها گردآورده بودم گم کردم و پس از اینکه کتابهایم را گم کردم مردی از سریانیان از من چنین خواهشی درباره کتابهای جالینوس نمود و از من خواست آنچه را که من و دیگران از کتابهای او سریانی و غیر-سریانی ترجمه کرده‌ایم برای او بیان کنم. من کتابی سریانی نوشتم و آن را بهمان کیفیت که از من خواسته بود پرداختم و تو - خدایت گرامی دارد - از من خواستی که آن کتاب را زود ترجمه کنم تا خداوند تفضل فرماید و آن کتابها را بدست تو بدارد تا آنکه اگر چیزی از نظر من دور شده از کتابهای جالینوس بآن اضافه گردد و نیز خواستی که کتابهای دیگری را که از پیشینیان در علم پزشکی یافته‌ام برای تو یاد کنم اکنون - بخواست خدا - من به پاسخ آنچه که از من خواسته‌ای می‌پردازم.

- خدای گرامیت دارد - نخستین چیزی که کتاب را با آن آغاز نمودم نام بردن از آن مرد و توصیف آنچه که از من خواسته است. پس گویم از من خواستی تا درباره کتابهای جالینوس بحث کنم که آن کتابها چند است و چگونه شناخته می‌شود و غرض او در هر يك از آنها چیست و در هر يك از آنها چند مقاله است و در هر مقاله چه را توصیف می‌کند. اکنون بتو اعلام می‌دارم که جالینوس خود کتابی در این باب نوشته و در آن بذکر کتابهای خود پرداخته و آن را فینکس

* شاید: به عمل او

چون در خواهش خود اصرار ورزیدی ناچار شدم که به پرسش تو پاسخ دهم با آنکه ساز و برگ مورد نیاز خود را از دست داده‌ام چون تو راضی هستی که من در این باب بآنچه که از بردارم اکتفا کنم. اکنون من در این موضوع آغاز می‌کنم و توکل به تائید آسمانی که دعای آن را از تو آرزو دارم می‌نمایم و سخن را چنانکه خواستی تا حدود امکان خلاصه نموده و آنچه را که درباره آن کتابها از حفظ دارم بیان می‌کنم و سخن خود را با توصیف آنچه که علم آن مورد نیاز است آغاز می‌کنم یعنی درباره آن دو کتاب که کمی پیش از این یاد کردم.

۱- فینکس

کتابی که جالینوس آن را «فینکس» نام نهاده و در آن بذکر کتابهای خود پرداخته شامل دو مقاله است که در اولی کتابهای طبی و در دومی کتابهای منطقی و فلسفی و بلاغی و نحوی خود را یاد کرده است. ما این دو مقاله را در برخی از نسخه‌ها که بیونانی است بهم پیوسته یافتیم چنانکه گوئی آن دو یک مقاله است. جالینوس در این کتاب کتابهایی را که تالیف کرده است توصیف می‌کند و نیز مقصود و داعی خود را از تالیف و همچنین نام کسانی را که برای آنان تالیف کرده و سن خود را در هنگام نوشتن آنها ذکر کرده است. پیشتر از من ایوب رهاوی معروف به ابرش آن را بزبان سریانی ترجمه کرده و سپس من آن را بسریانی برای داود متطبیب و عبری برای ابوجعفر محمدبن موسی ترجمه کردم. و چون جالینوس در این کتاب همه کتابهای خود را یاد نکرده است من مقاله موجزی بسریانی نوشته بدان افزودم و در آن بیان کردم که جالینوس چه کتابهایی را در این کتاب یاد نکرده و من آنچه را که دیده و خوانده بودم بر شمردم و علت یاد نکردن او را نیز بیان داشتم.

۲- فی مراتب قراة کتبه

کتابی که عنوان آن «در مراتب قراة کتابهای او» می‌باشد یک مقاله است و منظور او از این کتاب این است که چه گونه باید ترتیب خواندن کتابهای او یکی پس

از دیگری از آغاز تا انجام رعایت شود. من این کتاب را بسریانی ترجمه نکردم بلکه پسر من اسحق آن را برای بختیشوع ترجمه کرد ولی من آن را عبری برای ابوالحسن احمد بن موسی ترجمه کردم و اطلاع ندارم از اینکه کسی پیش از من آن را ترجمه کرده باشد.

۳- فی الفرق

کتاب او «در فرقه‌ها» این کتاب شامل یک مقاله است و آن را خطاب به دانشجویان نوشته است و منظور او آن بوده است که گفتار هر صنف از فرقه‌های سه گانه که در جنس با هم اختلاف دارند توصیف کند و موارد ادعا و احتجاج ورد بر مخالفان هر یک را بیان نماید. و علت اینکه من استثنا قائل شدم و اختلاف در جنس را قید نمودم اینست که در هر یک از این سه فرقه‌های دیگری نیز یافت می‌شود که در نوع مختلف اند و مقالات صاحبان آن فرقه‌ها که داخل در طب اند پس از امعان نظر در آن شناخته می‌شود و اهمیت هر صنفی از آن و چگونگی حکم به حق یا باطل بودن آن دانسته می‌گردد. جالینوس این مقاله را در جوانی در سن سی سالگی یا کمی بیشتر هنگامی که برای نخستین بار وارد رم شده بود تالیف کرد. پیش از من مردی بنام ابن سهدا از اهل کرخ آن را بسریانی ترجمه کرده بود و او در ترجمه بسیار ناتوان بود سپس آن را من در جوانی در سن بیست سالگی یا کمی بیشتر برای طبیبی از اهل جندی شاپور بنام شیریشوع بن قطرب از نسخه‌ای یونانی که افتادگی بسیار داشت ترجمه کردم و بعد شناگرد من حبیش از من خواست که آن را اصلاح کنم در هنگامی که من بحدود سن چهل سالگی رسیده بودم در این وقت من نسخه‌های متعددی از یونانی گرد آورده بودم که با یکدیگر مقابله کردم تا اینکه نسخه‌ای صحیح فراهم گردید و سپس نسخه سریانی را با این نسخه درست مقابله و تصحیح نمودم - و چنین است عادت من در هر چه که ترجمه می‌کنم - و پس از آن دی سال آن را برای ابوجعفر محمد بن موسی بزبان عربی ترجمه کردم.

۴- فی الصناعة الطبية

کتاب او در «صناعت پزشکی» این کتاب نیز دارای يك مقاله است و جالینوس آن را بعنوان خطاب به دانشجویان ننوشته زیرا منفعت خواندن آن شامل دانشجویان و کمال یافتگان هر دو است زیرا منظور جالینوس در آن این بوده است که همه مجملات طب را با گفتاری کوتاه بیان کند و این برای متعلمان و مستکملان هر دو سودمند است. چه آنکه متعلم همه مباحث طب را بنحو اجمال در ذهن خود بنحو رسم تصور می کند سپس بعد از آن به جزء جزء آن باز می گردد و شرح و تلخیص و برهانهای آن را از کتابهای مشروح در می یابد، و مستکمل نیز آن را بمنزله تذکاری برای آنچه که بنحو تفصیل خوانده و دانسته قرار می دهد. معلمانی که در زمان باستان در اسکندریه به تعلیم طب می پرداختند مرتبه این کتاب را پس از کتاب «فرقه‌ها» قرار می دادند و پس از آن کتاب «در نبض خطاب به دانشجویان» و دو مقاله «در درمان بیماری‌ها خطاب به اغلوقن» را بترتیب معین می نمودند و گوئی این پنج کتاب را کتابی واحد که دارای پنج مقاله است ساخته اند و آن را با عنوان واحد برای استفاده عموم دانشجویان تعیین کرده اند. گروهی این مقاله یعنی «صناعت پزشکی» را ترجمه کرده بودند از جمله سرجس راس عینی. پیش از اینکه در قرن ترجمه توانا گردد و ابن سهدا، و ایوب رهاوی و سپس من آن را برای داود متطبب ترجمه کردم داود مردی نیک فهم و آزمند بر آموختن بود و هنگام ترجمه من جوانی در حدود سی سال بودم و در آن هنگام من علوم مختلفی را فرا گرفته بودم و کتابهای متعددی را دارا شده بودم سپس آن را برای ابوجعفر محمد بن موسی ترجمه کردم.

۵- فی النبض الی طوئرن والی سائر المتعلمین

کتاب او «در نبض خطاب به طوئرن و دیگر دانشجویان» این کتاب دارای يك مقاله است و غرض او در آن اینست که آنچه را که يك دانشجو نیازمند است که درباره نبض بداند بیان کند. او در این کتاب نخست اقسام نبض را برمی شمارد - همه اقسام آن را یاد نمی کند بلکه آنچه را که دانشجویان را بر آن نیروی دریافت است بیان می کند - و پس از آن سببهای

تغییر نبض را اعم از سببهای طبیعی و غیرطبیعی و آنچه که خارج از طبیعت است توصیف می نماید. جالینوس این مقاله را هنگام تألیف کتاب «در فرقه‌ها» تألیف کرده است. این مقاله را ابن سهدا به سریانی ترجمه کرده بود سپس من آن را برای سلمویه پس از ترجمه کتاب «صناعت» ترجمه کردم. بهمان اندازه که سلمویه فهم طبیعی و درایت و عنایت خود را بر قرات کتب آشکار می ساخت حرص من بر استقصاء بر پاک ساختن همه آنچه را که برایش ترجمه کرده بودم افزون می گشت. پس از این آن را برای ابوجعفر محمد بن موسی با کتاب «در فرقه‌ها» و «در صناعت» بزبان عربی ترجمه کردم.

۶- کتابه الی اغلوقن

کتاب او «خطاب به اغلوقن» این کتاب دارای دو مقاله است و جالینوس آن را بعنوان «درمان بیماری‌ها خطاب به اغلوقن» قرار داده و بدانشجویان خطاب نساخته ولی اهل اسکندریه چنانکه کمی پیش از این گفتم آن را در شمار کتابهایی که خطاب به دانشجویان است قرار داده اند. منظور جالینوس در این کتاب اینست که درمان بیماریهایی را که بیشتر عارض می شود با گفتاری کوتاه بیان کند. او این کتاب را بخواش مردی فیلسوف که از دیدن آثار او در شگفت آمده بود تألیف کرد و چون درمان دهنده بدون شناختن بیماریها پی درمان آنها نمی برد لذا دلایل معرفت بیماریها را بر درمان آنها مقدم داشت و در مقاله نخستین دلایل تبها و ملاوای آنها را توصیف کرد - همه آنها را یاد نکرد بلکه بر آنچه که بیشتر عارض می شود اکتفا نمود - و این مقاله بر دو قسمت تقسیم می گردد و در قسمت اول از این مقاله تبهای خالی از عوارض غریبه و در قسمت دوم تبهای همراه با آن عوارض را وصف می کند و در مقاله دوم دلایل آماسها و درمان آنها را بیان می نماید. جالینوس این کتاب را هنگام تألیف کتاب «فرقه‌ها» تألیف کرد. پیش از من سرجس این کتاب را به سریانی ترجمه کرده بود - او تا اندازه ای در ترجمه توانا شده بود هر چند بغایت آن نرسیده بود - سپس من آن را پس از ترجمه کتاب «نبض» برای سلمویه به

سریانی ترجمه کردم و بعد در همین ایام آن را برای ابوسعید
جعفر محمد بن موسی بعلربی ترجمه کردم.

۷- فی العظام

کتاب او «در استخوان‌ها» این کتاب دارای یک مقاله
است و جالینوس آن را «در استخوان‌ها» برای دانشجویان
عنوان ساخته نه خطاب به دانشجویان زیرا نزد او میان
«خطاب به دانشجویان» و «برای دانشجویان» فرق است
زیرا وقتی کتاب خود را «خطاب به دانشجویان» عنوان
می‌سازد دلیل بر اینست که او در تعلیم آنچه را که می‌آموزد
نیروی دانشجویان را در نظر می‌گیرد و او را در این فن نحوه
دیگری از تعلیم است که خاص کمال یافتگان می‌باشد و
هنگامی که آن را «برای دانشجویان» معنون می‌سازد دلیل بر
اینست که آن کتاب همه علم بآن فن را فرا می‌گیرد
جز اینکه تعلیم آن خاص متعلمان اینست چونکه جالینوس
می‌خواهد که دانشجوی طب آموختن علم تشریح را بر
جمیع فنون طب مقدم بدارد زیرا نزد او آموختن طب
قیاسی بدون شناختن تشریح غیر ممکن است و منظور
جالینوس در این کتاب اینست که حال هر یک از
استخوانها را بپوشانی خود و حال پیوستگی آنها را باهم
بیان کند. جالینوس آن را هنگام تالیف دیگر
کتابهای خود خطاب به دانشجویان تالیف کرده است. سر-
جس آن را ترجمه‌ای نارسا کرده بود سپس من آن را پس
از اندی سال برای یوحنا بن ماسویه ترجمه کردم و در
ترجمه آن نهایت شرح و ایضاح را برای استقصاء معانی
آن منظور داشتم زیرا آن مرد سخن آشکار را دوست
دارد و بر آن پیوسته ترغیب می‌کند و پیش از آن آن
را برای ابوجعفر محمد بن موسی ترجمه کرده بودم.

۸- فی العضل

کتاب او «در عضله‌ها» این کتاب دارای یک مقاله
است و جالینوس آن را خطاب به دانشجویان عنوان ساخته
ولی اهل اسکندریه آن را در شمار کتابهای او خطاب به
دانشجویان وارد کرده‌اند بدین معنی که باین دو مقاله
سه مقاله دیگر از جالینوس را که خطاب به دانشجویان نوشته
یعنی «در تشریح عصب» و «در تشریح عروق غیر
ضواری» و «در تشریح عروق ضواری» پیوسته و آن

را کتابی واحد که دارای پنج مقاله است قرار داده‌اند و
آن را بعنوان «در تشریح خطاب به دانشجویان» نامیده‌اند.
غرض جالینوس در آن اینست که وضع جمیع عضلاتی
که در هر یک از اعضاء است بغایت استقصا وصف
کند که چند و چگونه است و هر یک از آنها از کجا
آغاز می‌شود و کار هر یک چیست. آنچه را که من
برای تو در کتاب «استخوان‌ها» از جالینوس و سرجس
و خود بیان کردم در این کتاب بدان جز اینکه من تاکنون
آن را بعلربی ترجمه نکرده‌ام و حبیب بن الحسن آن را
برای محمد بن موسی به زبان عربی ترجمه کرده است.

۹- فی العصب

کتاب او «در عصب» این کتاب نیز دارای یک
مقاله است و آن را خطاب به دانشجویان نوشته و غرض او
در این کتاب این است که چند جفت عصب از دماغ و
نخاع می‌روید و آنها چه نوع و چگونه هستند و هر
یک از آنها چه تقسیماتی دارند و عمل آنها چیست
و داستان این کتاب همچون داستان کتاب «عضله‌ها»
است.

۱۰- فی العروق

کتاب او «در رگ‌ها» این کتاب نزد جالینوس
یک مقاله است که در آن به بیان وضع رگهای زننده و رگهای
غیر زننده پرداخته‌است او این کتاب را برای دانشجویان
نوشته و خطاب به انطیسانس عنوان ساخته است ولی
اسکندرانیان آن را دو مقاله گردانیده مقاله‌ای در رگهای غیر
زننده و مقاله دیگر در رگهای زننده. و غرض او در این
کتاب اینست که چند رگ از کبد می‌روید و آنها چه
نوع و چگونه هستند و هر یک را چه تقسیماتی است
و چند شریان از قلب می‌روید و آنها چه نوع و چه گونه
هستند و هر یک بچه تقسیم می‌شوند و داستان این
مقاله مانند داستان مقاله‌های گذشته است من خلاصه
آن را بیرون کشیدم و برای محمد بن موسی بعلربی
ترجمه کردم.

۱۱- فی الاسطقسات علی رای بقراط

کتاب او «در اسطقسات بنا بر رای بقراط» این

کتاب نیز دارای يك مقاله است و غرض او در این کتاب اینست که بیان کند که همه اجسامی که قبول کون و فساد می کنند یعنی بدنهای حیوان و نبات و اجسامی که از دل زمین زاده می شوند ترکیب آنها از چهار رکن خالک و آب و هوا و آتش است و اینها ارکان اولیه و دور از بدن انسان هستند ولی عناصر ثانوی نزدیک که قوام بدن انسان و دیگر جانوران خوندار بدانهاست عبارتند از اخلاط چهارگانه یعنی خون و بلغم و دوتلخه (صفرا و سودا). این کتاب از کتابهایی است که واجب است پیش از خواندن کتاب «حیلة البر» خوانده شود. این کتاب را پیش از من سرجس ترجمه کرده ولی آن را نفهمیده و ضایع ساخته و سپس من باعنایت و استقصا برای بختیشوع بن جبریل به سریانی ترجمه کردم - این ترجمه و قسمت عمده آنچه را که من برای این مرد ترجمه کردم در هنگام پایان جوانی من بر این روش بود - و سپس آن را برای ابوالحسن علی بن یحیی عبری ترجمه کردم.

۱۲- فی المزاج

کتاب او «در مزاج» جالینوس این کتاب را سه مقاله ساخته در دو مقاله اول اقسام مزاج ترکیب بدنهای حیوان و تعداد و چگونگی آنها را توصیف و نشاندهائی که بر هر يك از آنها دلالت می کند بیان کرده است و در مقاله سوم اقسام مزاج داروها و چگونگی آزمایش و شناخت آنها را وصف نموده است و این مقاله به کتاب «نیروی داروها» که پس از این از آن یاد می کنم پیوسته می شود و این کتاب نیز از کتابهایی است که خواندن آن پیش از کتاب «حیلة البر» واجب و ضروری است. این کتاب را سرجس ترجمه کرده بود و من آن را با کتاب «ارکان» به سریانی ترجمه کردم سپس آن را برای اسحق بن سلیمان عبری ترجمه کردم.

۱۳- فی القوی الطبيعية

کتاب او «در نیروهای طبیعی» این کتاب را نیز در سه مقاله قرار داده و غرض او در آن اینست که بیان کند که تدبیر بدن با سه نیرو است که عبارتند از نیروی حابله و نیروی منمیه و نیروی غذایی. نیروی حابله

مربک از دو نیرو است یکی منی را تغییر می دهد و می بندد آن را چنانکه از آن اعضاء متشابهة الاجزا می سازد و دیگری آنکه اعضاء متشابهة الاجزا را با هیئت و وضع و مقدار و عددی که در هر يك از اعضاء مرکبه مورد نیاز است ترکیب می کند و نیروی غذایی را چهار نیرو که عبارتند از نیروی جاذبه و نیروی ماسکه و نیروی مغیره و نیروی دافعه خدمت می کنند. این کتاب را سرجس به سریانی ترجمه بدی کرده بود و سپس من آن را به سریانی برای جبریل بن بختیشوع ترجمه کردم در حالی که کودکی بودم که حدود هفده بهار از زندگی من گذشته بود و پیش از آن فقط يك کتاب را که پس ازین یاد می کنم ترجمه کرده بودم. ترجمه این کتاب از نسخه ای یونانی که افتادگی هائی داشت صورت پذیرفت سپس من نیک به تصفح آن پرداختم تا آنکه افتادگیها را اصلاح کردم و پس از آنکه با بسن نهادم دوباره تصفح نمودم و افتادگیهای دیگر را یافتم که اصلاح کردم این امر را بتو اعلام داشتم برای آنکه اگر از ترجمه من از این کتاب نسخه های مختلف یافتی سبب آن را بدانی و من مقاله ای از این کتاب را عبری برای اسحق بن سلیمان ترجمه کردم.

۱۴- فی العلل والاعراض

کتاب او «در بیماریها و عارضهها» این کتاب دارای شش مقاله بهم پیوسته است و خواندن این مقالات پیش از خواندن «حیلة البر» ضرورت دارد. جالینوس خود این شش مقاله را کتابی واحد با عنوانی واحد نساخته ولی اهل اسکندریه آنها را گرد کردند و عنوان واحد کتاب «العلل» را بآن دادند گوئی خواسته اند کتاب را بنام بیشتر محتویات آن بنامند ولی سریانیان این کتاب را با عنوانی دوزتر و کوتاه تر از واجب ساختند و آن را کتاب «العلل والاعراض» نامیدند و اگر قصدشان این بود که عنوان کاملی بدان دهند سزوار بود که با اسباب و اعراض امراض را نیز یاد کنند اما جالینوس مقاله اول از این شش مقاله را بعنوان «فی اصناف الامراض» ساخته و در این مقاله توصیف کرده که اجناس بیماریها چند است و هر يك از آن اجناس را بانواع آن تقسیم کرده تا آنجا که در این قسمت به دوزترین انواع رسیده

است. و مقاله دوم را عنوان «فی اسباب الامراض» داده و غرض او در آن مطابق با این عنوان است زیرا او در این مقاله تعداد اسباب هر يك از امراض و چگونگی آن اسباب را توصیف می‌کند. و مقاله سوم را به عنوان «فی اصناف الاعراض» آورده و در آن اجناس و انواع اعراض و چگونگی آنها را بیان کرده است. و بقیه مقالات را «فی اسباب الاعراض» عنوان ساخته و در آن‌ها اسباب فاعله هر يك از اعراض و چگونگی آن اسباب را وصف می‌نماید. این کتاب را سرچس به سریانی دوبار ترجمه کرده بود يك بار پیش از آنکه در مدرسه اسکندریه ورزیده گردد و بار دیگر پس از آن. سپس من آن را در هنگام پایان جوانی برای بختیشوع بن جبیریل به سریانی ترجمه کردم و حبیش این شش مقاله را برای ابوالحسن علی بن یحیی عبری ترجمه کرد.

۱۵- فی تعرف علل الاعضاء الباطنة

کتاب او «در شناسایی بیماری‌های اعضای پنهانی» این کتاب را جالینوس در شش مقاله قرار داده و غرض او در آن اینست که نشانه‌هایی را که از آن پی باحوال اعضای باطنه برده می‌شود چه بیماری در آن اعضا پیدا شده باشد و یا آنکه بعداً پیدا شود وصف کند. در مقاله اول و قسمتی از مقاله دوم روش عامیان را که بدان بیماری‌ها شناخته می‌شود وصف می‌کند و در مقاله دوم خطای اریخجانس را در راهپائی که در جستجوی این غرض پیموده است آشکار می‌نماید و در بازمانده مقاله دوم و در مقالات چهارگانه بعدی بگذر اعضا باطنه و امراض آنها عضو به‌عضو پرداخته است. او از دماغ آغاز کرده و همچنین بدنبال هم بیان می‌دارد نشانه‌هایی که با آن بر يك از این اعضا در هنگام بیماری استدلال می‌شود که چگونه علت آن شناخته می‌شود تا باقصای آن منتهی گردد. سرچس این کتاب را دوبار ترجمه کرده بود يك بار برای نیادوری اسقف کرخ و بار دیگر برای مردی بنام یسع و بختیشوع بن جبیریل از من درخواست کرده آن را تصحیح و افتادگی‌ها را اصلاح کنم و چنان کردم پس از آنکه او را از جودت و سهولت ترجمه آن آگاه نمودم و ناسخ جاهانی را که

من اصلاح کرده بودم دریافت و باندازه توانائی خود هر يك از آن مواضع را دریافت لذا استقامت و صحت کتاب تا این زمان ناتمام ماند. و من پیوسته بر اعاده ترجمه آن همت می‌کنم ولی کارهای دیگر من را از آن بازمی‌داشت تا آنکه اسرایل بن زکریا معروف به طیفوری اعاده ترجمه آن را از من درخواست نمود لذا آن را ترجمه کردم و حبیش آن را برای احمد بن موسی عبری ترجمه کرد.

۱۶- فی النبض

کتاب او «در نبض» این کتاب را جالینوس در شانزده مقاله قرار داده و آنرا بچهار جزء که هر يك از آن اجزاء شامل چهار مقاله است تقسیم کرده است و جزء اول را به «فی اصناف النبض» عنوان ساخته و غرض او در آن اینست که اجناس اولیه نبض و چگونگی آنها و کیفیت تقسیم هر يك از اجناس با انواع تا بدورترین نوع را بیان کند. او در مقاله اول از این جزء خلاصه آنچه را که در توصیف اجناس و انواع نبض مورد نیاز است پایه نهاده و در پایان آن در يك جا گرد کرده ولی سه مقاله باقی از این جزء را جدا نهاده و به احتجاج و بحث از اجناس و انواع و تعریف نبض اختصاص داده است. بدین جهت است که به خواندن مقاله اول از این جزء احتیاج ضروری هست در حالیکه به خواندن سه مقاله دیگر چنین احتیاجی نیست و بدین مناسبت برای خواننده چنین پیش می‌آید که مقاله اول از جزء اول را که می‌خواند همه آن جزء فقط بدان اکتفا می‌کند و سپس شروع بخواندن جزء دوم آن کتاب می‌نماید. جالینوس این مطلب را خود بیان کرده و بدین سبب که یاد شد او می‌خواسته که آنچه را که در دانستن اجناس و انواع نبض مورد نیاز است در مقاله اول گرد آورد. او جزء دوم را به عنوان «در شناسایی نبض» ساخته و غرض او در آن اینست که بیان کند که چگونه هر يك از اصناف نبض در هنگام لمس رگها دانسته می‌شود یعنی چگونه نبض بزرگ و کوچک و نبض تند و کند از هم باز شناخته می‌شوند و بر همین قیاس از سایر اصناف نبض نیز آگاهی می‌دهد. جزء سوم را بعنوان «در سبب‌های نبض» آورده و غرض او در آن اینست که بیان کند که سبب

هریک از اصناف نبض چیست یعنی مثلاً سبب نبض بزرگ چیست و سبب نبض تند کدام است و نبض‌های باقی دیگر از چه سبب پیدا می‌شود. و جزء چهارم را «در پیشگفتار شناسائی نبض» عنوان کرده و غرض او اینست که بیان کند که چگونه علم پیشین از هر یک از اصناف نبض یعنی بزرگ و کوچک و تند و کند و غیره بیرون می‌آید. سرچس هفت مقاله از این کتاب را به سریانی ترجمه کرده یعنی مقالات اول از هر یک از اجزاء سه‌گانه اول و چهارم مقاله اخیر و او همچون اهل اسکندریه که از آنان اخذ کرده گمان برده که همچنانکه از جزء اول مقاله اول از آن خوانده می‌شود و بر آن اقتضار می‌گردد - چنانکه جالینوس خود گفته است زیرا آن مقاله مشتمل بر همه مطالبی است که از آن جزء مقصود است - همچنین است حال در سایر اجزاء و این خطائی بزرگ است از آنان ولی اهل اسکندریه چون از هر یک از اجزاء سه‌گانه اول بزرگ مقاله اقتضار کردند از جزء چهارم هم فقط به مقاله اول اکتفا نمودند بدین جهت است که مجموعه‌های بسیاری را بزبان یونانی می‌یابیم که در آنها فقط این چهارم مقاله آمده است و این چهارم مقاله از هر یک از اجزاء چهارگانه انتخاب شده و متوالیاً مورد استنساخ قرار گرفته است و ما می‌بینیم مفسرانی که قصد شرح کتاب النبض را داشته‌اند همین مقالات چهارگانه از آن را شرح کرده و خود را بدان رسوا ساخته‌اند. اماراسی (= راس عینی از میان آنان بصواب نزدیک‌تر بودم زیرا او از آغاز متوجه شده که که قرائت سایر مقالات جزء چهارم مورد احتیاج ضروری است پس آنرا از آخر ترجمه کرده است سپس ایوب رهاوی هفت مقاله دیگر را برای جبرئیل بن بختیشوع ترجمه کرده و من همه این کتاب را از سالها قبل برای یوحنا بن ماسویه ترجمه کردم و در تلخیص و تحسین عبارت آن نهایت جهد را مبذول داشتم و نیز مقاله اول این کتاب را برای محمد بن موسی عبری ترجمه کردم و ترجمه بقیه کتاب را حبیب از همان نسخه سریانی که من ترجمه کردم بعهدہ گرفت و حبیبش بالطبع مردی با فهم است و می‌کوشد که در ترجمه روش مرا دنبال کند ولی من گمان نمی‌کنم عنایت او بر حسب طبع اوست. و این کتاب از علم

پیشین بشمار می‌آید.

۱۷- فی اصناف الحمیات

کتاب او «در اقسام تبها» او این کتاب را در دو مقاله قرار داده و غرض او اینست که اجناس و انواع و دلائل تبها را توصیف کند. در مقاله اول دو جنس تب را که یکی در روح و دیگری در اعضای اصلی که معروف به اعضای صلبه‌اند توصیف کرده و در مقاله دوم جنس سومی از آن را که در اخلاط عفونت گرفته است وصف نموده است. این کتاب را سرچس ترجمه‌ای ناپسند کرده بود و من در آغاز امر در وقتی که کودکی بیش نبودم برای جبرئیل بن بختیشوع ترجمه کردم و این نخستین کتابی بود که از جالینوس به سریانی ترجمه کردم و سپس چون بسن کمال رسیدم آن را صفحه‌بینی کردم و در نتیجه اغلاطی در آن یافتم که آن‌ها را با عنایتی خاص اصلاح و تصحیح نمودم آنگاه که می‌خواستم نسخه‌ای برای فرزندم برگزیم و همچنین آن را برای ابوالحسن احمد بن موسی به عربی ترجمه کردم.

۱۸- فی البحران

کتاب او «در بحران» این کتاب را جالینوس در سه مقاله قرار داده و غرض او در آن اینست که توصیف نماید چگونه انسان بدانجا می‌رسد که پیش پیش در یابد که بحران وجود دارد یا نه و در صورتیکه وجود دارد کی پدیدار می‌گردد و به چه چیز بازگشت می‌کند. این کتاب را سرچس ترجمه کرده بود و من آن را پس از چند سالی برای یوحنا بن ماسویه اصلاح کردم و در تصحیح آن مبالغه نمودم و نیز آن را برای محمد بن موسی عبری ترجمه کردم.

۱۹- فی ایام البحران

کتاب او «در روزهای بحران» این کتاب را نیز جالینوس در سه مقاله قرار داده و غرض او در دو مقاله اول اینست که توصیف کند اختلاف حال روزهای مختلف را در قوت و اینکه بحران در کدام يك وجود دارد و در کدام يك وجود ندارد و نیز در روزهایی که

بحران در آن وجود دارد کدام بحران پسندیده و کدام ناپسند است و آنچه که باین مطلب مرتبط می‌شود و در مقاله سوم علل اینکه چنین اختلافی در قوت‌دروزها وجود دارد بیان می‌کند. سرچس این کتاب را بسریانی ترجمه کرده بود و من این کتاب و کتاب پیشین را اصلاح نمودم و این را نیز برای محمد بن موسی ترجمه کردم و این کتاب و کتاب پیش از آن از علم پیشین بشمار می‌آیند.

۲۵- فی حيلة البرء

کتاب او در «چاره ببهبود» این کتاب را در چهارده مقاله قرار داده و غرض او در آن اینست که بیان کند که چگونه هر يك از بیماریها بروش قیاس درمان می‌شود و در این مورد بر عوارض عمومی که مورد نظر است اکتفا می‌گردد و از میان آنها آنچه که موجب درمان هر يك از بیماریها می‌شود استخراج می‌شود. او در این مورد با آوردن مثالهای کمی از اشیاء جزئی استناد می‌جوید. او شش مقاله از این کتاب را برای مردی بنام ایارن تألیف کرده است در مقاله اول و دوم اصول صحیحی را که پایه این امر در این علم بر آنها نهاد شده بیان کرده و اصول نادرستی را که ارسسطراطس و یاران او پایه نهادند درهم شکسته است. در چهار مقاله دیگر درمان جدائی پیوستگی اعضا را توصیف کرده است. ایارن پیش از آنکه جالینوس کتاب را تمام کند درگذشت سپس او جانیانوس از او خواست که آن را تمام کند سپس او هشت مقاله دیگر را برای او نوشت. در شش مقاله اول درمان بیماریهایی که در اعضای متشابهة الاجزا پیش می‌آید توصیف کرد و در دو مقاله دیگر درمان بیمار بهای اعضای مرکبه را بیان نمود و در مقاله اول از شش مقاله نخستین درمان همه اقسام سوء مزاج که در يك عضو پیدا می‌شود توصیف کرد و من باب مثال آن توصیف را بر آنچه که در معده حادث می‌شود جاری ساخت. در مقاله پس از آن که همان مقاله هشتم از کتاب است درمان اقسام تب‌هائی که در روح است یعنی تب روز را توصیف می‌کند و در مقاله پس از آن یعنی مقاله نهم درمان تب مطبقة را توصیف می‌کند و در مقاله دهم درمان تبی را که در اعضای اصلی است یعنی تب دق را توصیف می‌کند و در آن جمیع آنچه که در

این باره از استعمال حمام باید دانست بیان می‌نماید. در مقاله یازدهم و دوازدهم درمان تب‌هائی که از عفونت اخلاط بوجود می‌آیند بیان می‌کند. تب‌هائی را که خالی از اعراض غریبه است در مقاله یازدهم و آنهایی که همراه با اعراض غریبه است در مقاله دوازدهم آورده است. این کتاب را سرچس به سریانی ترجمه کرده بود ترجمه شش مقاله اول در وقتی صورت گرفته بود که او در ترجمه ضعیف بود ولی هشت مقاله دیگر را هنگامی ترجمه کرد که مهارت کافی در ترجمه یافته بود بدین جهت است که ترجمه این هشت مقاله بهتر از ترجمه شش مقاله اول می‌باشد. سلمویسه از من درخواست کرد که این قسمت دوم را برای او اصلاح کنم و چنین می‌پنداشت که اصلاح آسان‌تر و بهتر از ترجمه است بدین منظور قسمتی از مقاله هفتم را با من مقابله کرد در حالیکه نسخه سریانی در دست او و نسخه یونانی در دست من بود و او متن سریانی را بر من قرائت می‌کرد و هرگاه نکته‌ای از آن با متن یونانی مخالف بود من او را آگاه می‌کردم و او آن را اصلاح می‌نمود و بدان اندازه اصلاح کرد که دیگر کار بر او سخت آمد و برای او آشکار گشت که از نو ترجمه کردن آسان‌تر و درست‌تر و پیوستگی در آن استوارتر است لذا از من خواست تا آن مقالات را ترجمه کنم و من آنها را از آخر ترجمه کردم. در آن وقت ما در رقه بودیم در زمانی غزوات مامون او آن مقالات را به زکریا بن عبدالله معروف به طیفوری داد آن‌گاه که عزم مدینة السلام (= بغداد) داشت تا در آنجا مورد نسخ قرار گیرد. در کشتی که در آن زکریا بود حریق شد در گرفت و کتاب سوخت و نسخه‌ای از آن باقی نماند. پس از چند سال من کتاب را از اول برای بختیشوع- بن جبریل ترجمه کردم. از هشت مقاله آخر نسخه‌هائی به یونانی نزد من بود با آنها مقابله کردم و نسخه‌ای صحیح از آن آماده ساختم و آن را تا حد امکان به غایت استقصا و بلاغت ترجمه کردم. از شش مقاله اول فقط بريك نسخه از آن دسترس پیدا کردم و چون آن نسخه غلط بسیار داشت تصحیح آن مقالات آنچنان که باید برای من میسر نگردید پس از آن نسخه‌ای دیگر یافتم و با آن امر مقابله و اصلاح بحد امکان انجام

